

رودک

مجله ادبی و فرهنگی

۱۶۸ صفحه ۴۵۰۰ تومان

- با آقاری از:
- جواد مجابی
 - ابوتراب خسروی
 - اکبر اکسیر
 - عباس صفاری
 - مسعود احمدی
 - منصور یاقوتی
 - محمدعلی شاکری یکتا
 - علی باباجاهی
 - عبدالحسین فرزاد
 - ناتاشا امیری
 - علی عبداللہی
 - محمدعلی علومی
 - حسن اصغری
 - پروفیسور عبدالنبی ستارزادہ
 - پروفیسور صفر عبداللہ
 - محمد قاسمزادہ
 - سعید سلطانی طارمی
 - مانا آقایی
 - محمد محمدی
 - بختیار علی
 - ایزاک بابل
 - ویسلاوا شیمبورسکا
 - شونتارو تانیکاوا
 - کاترین منسیلد
 - ہومن عزیزی
 - محمد حیاتی
 - صفغان صدیقی
 - محمد موسوی
 - محمد سمیعی
- و...

بارورتر می‌گردد و به قدرت و توانایی و آفرینش‌گری‌های فکری و جسمی خویش بیشتر از پیش پی می‌برد و در این پرتو این پیوندگی و خلاقیت است که انسان در کار دگگونی طبیعت و به خدمت در آوردن آن آگاه‌تر و در کاربرد و پی‌گیری اراده‌ی خویش مصم‌تر عمل می‌کند. نوروز در جغرافیای فرهنگ و تمدنی که آن را پیش‌کسوتان خردمند و دانش‌پیشه و انسان‌باور گذشتگان ما، پی گذاشتند، تنها نمودی در حد جشن و پاسداری از نوشدن و رویش سبز زمین و گرمای‌داشت مظاهر زیبایی طبیعت نداشت، بل که ژرفا و درون‌مایه‌های بزرگی که تندیس سبز پایدار و همیشه ماندگار آن را خرد و آزادگی سرشته است، برخوردار می‌باشد. نوروز در فرهنگ فلسفی ما از جایگاه والایی بهره‌مند بوده است و اگر هر گوشه و صفحه‌ی آن را با چشم خرد، ژرف بنگریم، نمودهایی از مهم‌ترین ارزش‌ها و گوهری‌ترین جلوه‌های فرهنگ خردورزانه‌ی انسانی خواهیم دید. در نتیجه‌ی گره‌زدن این آفرینش‌های طبیعی و انسانی است که نوروز، از چهارچوب یک سنت وابسته به زمین و طبیعت بیرون کشیده می‌شود و چهره‌ای انسانی و فرهنگی با تجسم هویت خردباورانه به خود می‌گیرد. به همین سبب بزرگان قوم ایرانی، به طریق حفظ سنت و دامن زدن به پویایی آن، تداوم نوروز این فرهنگ غنامند را نه تنها بیمه نمودند که سرانجام آن را به یکی از ارزش‌های بزرگ تاریخی و جهانی مبدل ساختند. به همین سبب، ما در این فرصت کوتاه، به فرازهایی از مهم‌ترین رازهای ماندگاری نوروز که شاخص مهم هویت آفرینش‌گر نیاکان‌مان است، خواهیم پرداخت. نوروز مظهر دین‌باوری: هرچند ظهور و پیدایش نوروز به مثابه‌ی یک سنت تاریخی و یک پدیده‌ی ماندگار فرهنگی به گذشته‌های دورتری پیوند می‌زند، اما آن‌چه برای ما بیش‌تر به حیث یک تکیه‌گاه مستند تاریخی می‌تواند مطرح نظر و بررسی قرار گیرد، اسناد و مدارک عینی‌ای است که به نوروز بنیاد وجودی می‌بخشد. از این رو اگر از بحث اسطوره‌ی نوروز بگذریم و شالوده‌ی نگرش خویش را مستندات به

جای مانده‌ی تاریخی قرار دهیم؛ باید به دورانی بازگردیم که تاریخ مدون و مکتوب بشری را تشکیل داده است. سرآغاز این دوره‌ی تاریخی به ظهور زرتشت و اثر مکتوب او، کتاب آسمانی اوستا پیوند می‌خورد. در فردای بعد از دعوت پیام‌آورانه‌ی زرتشت بود که نحوه‌ی نگرش دینی و باورمندی به منشا آفرینش، نگاهی منطقی و در خور شان انسان خردباور شکل گرفت. در باور زرتشتیان زردشت، در هرمزدروز(نام نخستین روز از فروردین‌ماه) موفق گردید با خداوند مناجات کند. روزی که کی‌خسرو نیز عروجی روحانی داشت. بهترین سند مکتوب و گنجینه‌ی عظیم فرهنگی‌ای که در آن بیش‌تر از آثار دیگر به سنت نوروزی پرداخته شده و بُعد فرهنگی آن را بارورتر نموده است، شاهنامه‌ی بزرگ فردوسی بزرگ است که بدون تردید شناس‌نامه‌ی تبار ایرانی است. پیروان آیین یکتاپرستی زرتشت این روز مقدس را روز نیایش دانستند و در روز هرموزد جشن و شادی بر پا نمودند و در این روز نیایش کردند. برخی دیگر، این روز را روز آفرینش آدم(کیومرث) دانستند و به نشانه‌ی رمز آفرینش انسان آن را گرمای داشتند. بدون تردید، نوروز که بیان آشکار نوشدن طبیعت و تعریف دگرگونی در همه‌ی مظاهر و درون‌مایه‌هایی است که در چهره‌ی رنگارنگ دلپذیر خویش بازتاب یافته و ذهن و روان دگرگونه‌پذیر و زیبایی‌پسند انسان را فرا می‌گیرد، رمز تداومش در ساختار یک فرهنگ خردورزانه و دنیاپذیر، هرگز در گرو همین دگرگونه‌پذیری ساده و متکرری که در زمان مشخص چهره‌هایی می‌ند، نیست، بلکه بیش‌تر از هر راز دیگری، این ماندگاری و جهانی‌شدن را مدیون ارزش‌های گران‌سنگ انسانی است که در روند شکل‌گیری و استحکام هرچه بیش‌تر آن شکل گرفته و این میراث‌های ارزشمند و آفرینش‌های سترگ را به گونه‌ای با این روز پیوند زده و اهمیت آن را در این روز سنتی که مظهر پویش و سازندگی است، گرمای داشته و در کمال وارستگی، راستی و آزادگی، پاسداری نموده‌اند که هزاران نمونه‌ی مدرن و مجسم این ارزشمداری وجود دارد.

هم‌اکنون این جشن را نه تنها ایرانیان، بلکه تمام اقوامی که در فلات فرهنگی گذشته‌ی ایران به سر می‌برند، جشن می‌گیرند و آن را جشن ملی خود می‌انگارند. در واقع نوروز هدیه‌ی ایران به جهان است و چه هدیه‌ای پر ارزش‌تر و بی‌نظیرتر از نوروز به جهان! درباره‌ی تاریخ نوروز، آیین‌های نوروزی و ویژگی‌های این جشن ملی ایرانیان و ایرانی‌تباران اخیرا نیز پژوهش‌های ارزش‌مندی انجام شده و به صورت کتب جداگانه منتشر شده است؛ ولی در کشورهای تازه‌استقلال‌یافته‌ی آسیای مرکزی و قفقاز تلاش در جهت از آن خود نمودن این پدیده‌ی فرهنگی به چشم می‌خورد و گاهی در تلاش هویت‌جویی به حدی تاریخ را وارونه نشان می‌دهند که بدون دلیل حقایق تاریخ و واقعیت‌های تاریخی را منسوخ می‌کنند، غافل از آن‌که پدیده‌ی فرهنگی چون نوروز را که ریشه در تاریخ ایران‌زمین دارد و آن‌قدر با هویت و سرشت ایرانیان عجین گشته است، نمی‌توان به هیچ دلیل انکار یا تصاحب نمود. باید تاکید کرد که در هیچ عصر و زمانی فارسی‌زبانان از برگزاری این جشن غافل نبوده‌اند. در زمانی که غزها به خراسان حمله کردند، در زمانی که لشکریان چنگیز و تیمور لنگ از سرهای نیشابوریان و شهرهای دیگر ایران‌زمین مناره می‌ساختند، باز هم فارسی‌زبانان یعنی ایرانیان با سرافرازی و درایت این جشن باستانی خود را حفظ کردند.